

دوشیزه و شیطان



بائولو کوئلیو
ترجمه‌ی ایلیا حریری



کتاب‌های جیبی - ۲۴

نویسنده چاپخانه



مجله

مجله

سرشناسه	: کوئبو، پائولو، ۱۹۴۷ - م. Coelho, Paulo
عنوان و نام پدیدآور	: شیطان
مشخصات نشر	: تهران: نشر مکتوب، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۵ ص: ۱۲، م. م.
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۸۲۷۷-۳۳-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا	
یادداشت	: عنوان اصلی: O demônio e a srtia prym.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ترجمانان متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	: داستانهای برزیلی - قرن ۲۰ م.
موضوع	: Brazilian fiction -- 20th century
شناسه افزوده	: حریری، ایلیا، ۱۳۴۹ -، مترجم
رده بندی کنگره	: PQ۹۶۹۸/۲۷
رده بندی دیویی	: ۸۶۹/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۸۸۱۴۵

شیطان و دوشیزه پریم پائولو کوئلیو

مترجم: ایلینا حریری
چاپ اول: ۱۳۹۸
گرافیک جلد: هاله دارابی
صفحه‌آرایی: آتلیه مکتوب
عنوان جلد: آتلیه مکتوب
چاپ و طراحی: دیجیتال نقش
تیراژ: ۵۰۰ جلد
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از
این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب نشر، قابل
تکثیر یا تولید مجدد هیچ شکلی، از جمله
چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، صوت و
صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون
حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران است.

ISBN: 978-600-8277-33-0

انتشارات مکتوب: تهران، خیابان انقلاب،
خیابان فخررازی، خیابان وحید نظری،
پلاک ۹۸ کدپستی: ۱۳۹۵۹-۱۳۱۴۷
تلفن: ۲۶۴۱۰۳۵۰

یادداشت نویسنده

نستین با ابره شکاف، در ایران باستان زاده شد: ایزد زمان -
زرد - پس از خلق گیتی، هماهنگی گرداگردش را دریافت، اما
کمبود نور مهی را احساس کرد - یک همراه، که در این
زیبایی با او میم شد.

یک هزار سال، برای او دن پسری نیایش کرد. داستان
نمی گوید به کدام درگاه نیایش کرد چرا که او قادر متعال بود،
پروردگار یگانه و اعلی: هر چه بود، نیایش کرد، تا سرانجام
باردار شد.

آن گاه که ایزد زمان به تمنای دلش دست یافت، پشیمان شد،
زیرا دریافت تعادل جهان بسیار ناپایدار شده است. اما دیگر
بسیار دیر شده بود و پسرش در راه بود. پشیمانی اش تنها به یک
نتیجه انجامید، پسر دیگری نیز در زهدانش پدید آمد.
اسطوره می گوید از نیایش آغازین خدای زمان، پسر
(هورمزد) پدید آمد و از پشیمانی اش، پدی (اهریمن) منفعت
همزاد هورمزد شد.

پدر، نگران، همه چیز را چنان نظم داد تا هورمزد پیش از برادرش از زهدان بیرون بیاید، تا اهریمن را از شر رساندن به جهان باز دارد. اما، از آن جا که بدی چیره دست و تواناست، اهریمن توانست به نیرنگی، پیش از هورمزد زاده شود و پیش از او ستارگان رخشان را ببیند.

خدای زمان، بر آشفت و تصمیم گرفت هورمزد را یاری دهد. پس زمان را کرانه مند کرد و نبرد میان هورمزد و اهریمن را در این زمان کرانه مند مقدر کرد. سپس، هورمزد تصمیم گرفت برای برادرش یاری بخشد. پس انسان را خلق کرد تا در پیروزی بر اهریمن یاری اش کند، تا اهریمن نتواند بر سراسر جهانی تسلط یابد.

در اسروره ایرونی، انسان پدید آمد تا یار نیکی باشد، و سنت می گوید که نیکو سرانجام پیروز خواهد شد. اما، سده ها بعد، داستان دیگری نیز از این شکاف عظیم شکل گرفت؛ با دیدگاهی متفاوت: در این داستان، انسان ابزار بدی بود. گمان می کنم همه بدانند منظورم چیست: مرد و زنی در باغ عدن می زیند، غرق در تمام نعمت های تصورپذیر. اما یک چیز ممنوع است: این زوج، هرگز نباید معنای نیک و بد را درک کنند. خدای قادر متعال می گوید [سفر پیدایش: ۲:۱۷] اما زنهار در دنیا، شناخت نیک و بد نخوری.

و روزی زیبا، مار از راه می رسد، و سوگند می خورد که اهمیت این شناخت، از خود بهشت بیش تر است و بایست که آن دست یابند.

زن سر باز می زند و می گوید خداوند او را به مرگ تهدید کرده است، اما ما سوگند می خورد که چنین نیست: بر عکس، روزی که تفاوت میان نیک و بد را بشناسند، با خدا برابر خواهند شد.

حوا سرانجام می پذیرد و میوه ممنوع را می خورد و از آن به آدم نیز می دهد. از آن به بعد، تعادل آغازین بهشت بر هم می خورد، و این زن و شوهر گرفتار نفرین، و از بهشت رانده می شوند. اما خداوند، جمله بهت آوری بر زبان می آورد که این مادر می کشد [سفر پیدایش: ۳:۲۲] و خداوند خدا گفت: «اما آن ممنوع یکی از ما شده است که شناسای نیک و بد گردیده است».

این جا نیز همانا حدس ایرانی زمان که هر چند خود پروردگار مطلق بود، اما بهرگاه چیزی نیایش می کرد، کتاب مقدس توضیح نمی دهد که منظور خدای یگانه چیست، و اگر او یکتا است - پس چرا می دويد؟

پاسخ هر چه باشد، نوع بشر از همان آن، محکوم به حرکت در شکاف ابدی میان دو ضد است. هدف از این کتاب، پرداختن به این موضوع است؛ و در بخش هایی از کتاب، از اساطیر چهارگوشه زمین یاری گرفته شده است.

با شیطان و دوشیزه پریم، سه گانه و درون خیم، تکمیل می شود. دو بخش نخستین این سه گانه، رمان های کنا و پیدرا نشستم و گریستم [۱۹۹۴] و ورونیکا تصمیم می گیرد بمیرد [۱۹۹۸] بوده اند. در هر سه کتاب، به یک هفته زندگی

انسان‌هایی معمولی پرداخته می‌شود، که هر کدام، به یک باره خود را پیش روی عشق، مرگ، یا قدرت می‌یابند. همواره اعتقاد داشته‌ام که چه در هر انسان و چه در سراسر جامعه، دگرگونی‌های ژرف در دوره‌های زمانی بسیار کوتاهی رخ می‌دهند. درست آن‌گاه که هیچ انتظارش را نداریم، زندگی پیش روی ما مبارزه‌ای می‌نهد تا شهامت و اراده‌مان را برای دگرگونی ببراید. از آن لحظه به بعد، حاصلی ندارد که وانمود کنیم چیز تازه رخ نداده است، یا بهانه بیاوریم که هنوز آماده نیستیم. این روزه صحرایی نمی‌ماند. زندگی به پشت سر نمی‌نگرد. یک هفته فرصت زیاد است تا تصمیم بگیریم که سرنوشت خود را بپذیریم یا نه.

بوئنوس آیرس، اوت ۲۰۰۰